

اعتصاب: خردکننده شیشه ترک خورده عمر استبداد

مختصر و کوتاه بگوئیم: اعتصاب یکی از ابزارهای مدنی مبارزه برای گرفتن حق است.

(۱) در قوانین فعلی حاکم، این حق به رسمیت شناخته نشده اما در عین حال، در قوانین جزائی کشور، متوقف کردن کار، جرم هم تلقی نشده است.

(۲) در کشوری که اکثریت قریب به اتفاق حقوق اساسی بشر مانند حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی یا اساساً در قوانین آن پیش بینی نشده و یا مطلقاً توسط نهادهای حکومتی نادیده گرفته می شود، گشتن به دنبال راه های مبارزه در چارچوب قانون کمی فانتزی و کودکانه به نظر می رسد.

(۳) انسان، حقوقی طبیعی و غیرقابل سلب دارد که با هیچ قانونی نمی توان وی را از آن حقوق محروم کرد. قوانین سلب کننده آزادی ها و حقوق اساسی بشر مستحق لگد کوب شدن توسط مردم هستند. بحث این اصل در ردای امروزی، سابقه ای هفتصد ساله در علم حقوق دارد و نیز از جنگ جهانی دوم به بعد (پس از دادگاه های نورنبرگ و توکیو) رسماً وارد موازین پذیرفته شده حقوق شده است. به همین ترتیب، مطالبه این حقوق نیز از هر راه مدنی مانند اعتصاب ولو در قوانین داخلی پیش بینی نشده باشد، از دید حقوقی مقبول و پسندیده است.

(۴) هر گونه خسارات ناشی از کسر حقوق، اخراج و امثال آن که ناشی از اعتصاب یا سایر فعالیت های مدنی و سیاسی باشد، پس از سرنگونی حاکمیت ظلم و جور، در دادگاه های صالح قابل پیگیری است و نه تنها تمام حقوق و مزایا قابل دریافت است، بلکه از باب مسئولیت مدنی مسئولین امر، شخص زیان دیده مستحق دریافت خسارات مادی و معنوی ناشی از تعدی مسئولین خواهد بود. ما اگر زنده بودیم مسئولیت تدوین دادخواست های مربوطه را به طور رایگان برای همه هموطنان خسارت دیده بر عهده خواهیم گرفت. ناگفته نماند که بقای استبداد فاسد حاکم، خود بزرگترین خسارت برای همه ما و فرزندان مان است و به زیر کشیدن آن ارزش این خسارات احتمالی را دارد.

آیا اعتصاب به تدریج از اعتصاب سفید (نوع ایتالیائی) شروع شود (با این استدلال که شروع اعتصاب سراسری آمادگی ذهنی لازم دارد و زمینه های آن با ایجاد سازمان دهی در محیط های کار باید فراهم شود) یا این که هر چه

زودتر و بدون این دست و آن دست کردن به طور سراسری آغاز شود (با این استدلال که تعلل باعث پراکندگی نیروها و کاهش انرژی آن‌ها می‌شود و باید کار را یکسره کرد)؟ پاسخ این سوال در تخصص ما نیست. از جامعه‌شناسان و سیاسیونی پرسید که هم علم تجریدی آن‌ها را دارند و هم شرایط موجود را بررسی کرده‌اند. تنها نکته‌ای که ما به طور روزمره آن را در میان مردم کوچه و بازار می‌بینیم این است که اکثریت قریب به اتفاق منتظرند این روند شروع شود. ضمناً منتظر اعلام از بالا نباید بود. جنبش سبز ملک طلق کسی نیست. رهبران آن طیف‌های مختلف مردم هستند که حول محور دمکراسی جمع شده‌اند. این مردم هستند که جنبش و برخی چهره‌های شاخص را رهبری می‌کنند و خود این اشخاص هم با فروتنی به آن اذعان دارند و به همین سبب بین بخشی از جنبش سبز مردم، دارای احترامند. فراهم کردن زمینه‌ها را از همین الان شروع کنیم. ضمناً ۱۶ آذر را فراموش نکنیم.

تا روز حرکت نهائی برای به زیر کشیدن کودتاچیان دو گام مانده است. برای سناریوهای محتمل تحول، خود را آماده کنیم.

حقوقدانان جنبش سبز مردم ایران

نهم آذرماه ۱۳۸۸